

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شیوهی عزاداری و اهداف آن از منظر دعای ندبه

نگارنده:

علی ربانی

چکیده

با تمسک به فرازی از دعای ندبه می خواهیم بعد از تاکید بر استمرار عزاداری برای اهل بیت در همه اوقات، راه و روش مناسب را معرفی نموده و روشهای نامناسب را تذکر دهیم و با هدفمند کردن گریه و ماتم برای اهل بیت و جهت دادن به آن، سمت و سوی بر پا نمودن خیمه ی عزا را مشخص نمائیم.

کلید واژه: ندبه، ذکر نوحه، هدف از عزاداری، بکاء بر سید الشهداء

مقدمه

عزاداری برای سید الشهداء و آثار آن بر بسیاری از منتظران پوشیده نیست اما میزان تاثیر این بکاء در انتظار نیازمند روشن شدن است. عزاداری تنها گریه بر گذشته تاریخ نیست بلکه نهضت عاشورا یک حرکت و تلاش برای رسیدن به آینده است .

حقیقت بکاء بر سید الشهداء جوشش خون غیرت در شاهرگ های روح و روان است که عامل حرکت و پویایی برای یک منتظر واقعی می شود. این خون باید همیشه در جریان باشد تا فرد حیات داشته و بتواند حرکت کند پس عزاداری تنها در یک دهه نباید باشد بلکه باید به صورت یک جریان در زندگی و در همه حال وجود داشته باشد .

ریشه یابی ظلم و شناخت ظالمان گذشته و حال و راه مقابله با ظلم را باید از مکتب عاشورا آموخت. استکبار عامل انحطاط در فرد و جامعه است. در درون هر فرد آنچه او را وادار به سرکشی و طغیان می کند، خودیت و منیت اوست که برای خواسته های خود حساب باز کرده و از خواسته های خدا و ولی اش غفلت نموده است. در جامعه نیز منیت ها و خواسته های جاه طلبانه گروه و حزبی و یا دولت و کشوری بر خواست خدا و ولی او سایه افکنده و ظلم را پدید آورده است.

دلیل ماتم و اندوه برای اهل بیت

«لَمْ يُمْتَثَلْ أَمْرُ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْهَادِينَ بَعْدَ الْهَادِينَ، وَالْأُمَّةُ مُصِرَّةٌ عَلَيَّ مَقْتِهِ، مُجْمَعَةٌ عَلَيَّ قَطِيعَةٌ رَحِمِهِ وَإِقْصَاءٌ وُلْدِهِ، إِلَّا الْقَلِيلَ مِمَّنْ وَفِي لِرِعَايَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ فُقُتِلَ مَنْ قُتِلَ، وَ سُبِيَ مَنْ سُبِيَ، وَ أَقْصِيَ مَنْ أَقْصِيَ» در نتیجه فرمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله را درباره هادیان خلق، یکی بعد از دیگری امتثال نکردند و امت، کمر بر دشمنی آنها بسته و بر قطع رحم پیغمبر و دور کردن اولاد طاهربینش متفق شدند. جزقلیلی از مؤمنان حقیقی که حق اولاد و رسول را رعایت کردند. تا آنکه به ظلم ستمکاران امت، گروهی را کشته و جمعی اسیر و فرقه ای هم دور از وطن خود شدند.

عامل اصلی اندوه و حزن باید عدم امتثال دستور پیامبر باشد. اهمیت دستور پیامبر به این است که دستور خدا است و اگر کسی فرمان پیامبر را نافرمانی کند در واقع از امر خدا سرپیچی نموده است. مهمتر آن است که چه دستوری نافرمانی شده باشد، گاه فرمانی در یک مسئله جزئی مانند خوردنی ها است اما گاهی مسئله ای مهم است که رسالت پیامبر و هدایت به آن گره خورده است .

ادامه و تداوم رسالت به امتثال این فرمان پیامبر بستگی داشت. هادیان بعد از پیامبر که افراد ناشناخته ای نبودند قرار بود زمام حکومت را به دست گرفته و ناخدای گشتی هدایت شوند. عده ای با ایجاد رعب و وحشت در بین مسلمانان، اهل بیت پیامبر را کنار گذاشته وبا نیرنگ و فریب کینه ها و عقده های زمان جاهلیت را برگرداندند .

امتِ مرعوب، دست روی دست گذاشته و فرمان رسول خدا را نادیده گرفتند لذا در غصب حق اهل بیت و ظلم و ستم به آنها شریک شدند و دست به دست هم دادند تا تنها دختر پیامبر گشته شده و نسل ایشان را منقطع نمایند و به جز عده اندکی بقیه در کشتن و اسارت و تبعید عزیزان پیامبر نقش داشتند.

این ظلم عظیم منشا ظلمهای دیگر و عامل سرگردانی امروز انسانها است. اگر زمام امور به اهلش سپرده می شد، جهالت های زمان جاهلیت می مرد و جاهلیت مدرن سر باز نمی

^۱المزار الكبير (لابن المشهدی)، ص: ۵۷۸

کرد. جبت و طاغوت ها با این ظلم به تمامی بشریت ظلم نمودند و بذری برای طغیانها و از بین بردن فضائل کاشتند که امروزه انسانها بیگانه با همه فضائل باشند .

اهل بیت پیامبر(ص) جامع تمامی فضائل و شرافتها می باشند. عده ای چشم دیدن نور افشانی خورشید اهل بیت را نداشتند و نه تنها چشمان سر و دل خود را به روی آنها بستند، بلکه دیگران را با ننگ داشتن در تاریک خانه از برخوردار شدن از نور آنها محروم ساختند. هر چشمی تاب تماشای خورشید را ندارد اما چشم دل باید کور نباشد تا بتواند از نورانیت خورشید بهره ببرد .

اگر کسی حقیقت دور شدن از نور را درک کند، حزن و اندوه آنچنان بر او غالب می شود که بیشتر از آنکه بر مصائب اهل بیت (ع) گریه کند بر حال نزار خویش و انسانهای محروم زمان خود باید مویه کند. این حزن باعث می شود انسان در جستجوی فردی از افراد اهل بیت (ع) در زمان خویش برآید و با یافتن قائم آنها دل در گرو ظهور او قرار داده و با انتظار ظهور رشد و پویایی بدست آورد. از اینجا است که ارتباط این فراز از دعای ندبه با امام عصر(عج) روشن می شود.

لزوم برپایی عزا و ماتم برای تمامی اهل بیت

«فَعَلَى الْأَطَائِبِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا، فَلَيْبِكِ الْبَاكُونَ، وَ إِيَّاهُمْ فَلَيَنْدُبِ النَّادِبُونَ، وَ لِمِثْلِهِمْ فَلْتُدْرِفِ الدَّمُوعُ، وَ لِيَصْرُخِ الصَّارِحُونَ، وَ يَضِحَ الضَّاجُونَ، وَ يَعِجَ الْعَاجُونَ» پس باید گریه کنندگان، بر پاکان اهل بیت پیغمبر و علی -صلی الله علیهما و آلهما- گریه کنند و بر آن مظلومان عالم، ندبه و فغان نمایند و برای مثل آن بزرگواران؛ اشک از دیدگان بارند و ناله و زاری و ضجه و شیون از دل برکشند.

این قسمت از دعا بعد از بیان مصائب اهل بیت می گوید بر مصائبی که این پاکان اهل بیت متحمل شده اند، باید گریست و تمام اهل بیت که متحمل مصیبت شده اند را شامل می شود. جهت نامگذاری این دعا به دعای ندبه برگرفته از همین فراز است.

نُدْبِه اسم مصدر است و از ریشه نَدَبَ و در مورد اموات به معنی گریه و زاری برای مرده است با حالتی که خوبی ها و اوصاف نیک او ذکر شود و این ندا با واژه (وا) آغاز شود مثل: وا محمدا، وا علیا: «نَدَبَ الْمَيِّتَ أَى بكى عليه، و عَدَدَ مَحَاسِنِهِ، يَنْدُبُهُ نَدْبًا؛ و الاسم النُّدْبَةُ، بالضم. ابن سيده؛ و نَدَبَ الْمَيِّتَ بعد موته من غير أن يُقَيَّدَ ببكاء، و هو من النَّدَبِ للجراح، لأنه احتراقٌ و لَدَعٌ من الحُزْنِ. و النَّدَبُ: أن تَدْعُو النَادِبَةَ الْمَيِّتَ بِحُسْنِ الثَّنَاءِ فِي قَوْلِهَا: وَا قُلَانَاهُ وَا هَنَاهُ و اسم ذلك الفعل: النُّدْبَةُ، و هو من أبواب النحو؛ كلُّ شَيْءٍ فِي نِدَائِهِ وَا فَهُوَ مِنْ بَابِ النُّدْبَةِ»^۱

«نَدَبَ الْمَيِّتَ: بكى عليه و عدد محاسنه، يندبه ندبا. و النَّدَبُ: أن تذكر النائحة الميت بأحسن أوصافه و أفعاله، و منه " يَنْدُبْنَ أَمْوَاتَهُمْ " بضم الدال»^۲.

دعای ندبه را حتی باید در چهار عید مهم فراموش نکرد و سفارش شده در اعیاد غدیر و قربان و فطر و جمعه، این دعا خوانده شود. حزن و اندوه برای اهل بیت جهت سازندگی دارد و از این جهت است که روز عید هم نباید قلب مومن خالی از این اندوه باشد.

منظور از اطائب اهل بیت در کلام امام سجاد (ع)

امام در فرازی از دعای عرفه به تشریح اوصافی از اطائب اهل بیت می پردازند که از این اوصاف می توان پی به مصادیق برد: «رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ أَطَائِبِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ، وَ جَعَلْتَهُمْ خَزَنَةَ عِلْمِكَ، وَ حَفَظْتَ دِينِكَ، وَ خُلَفَاءَكَ فِي أَرْضِكَ، وَ حَجَجَكَ عَلَيَّ عِبَادِكَ، وَ طَهَّرْتَهُمْ مِنَ الرَّجْسِ وَ الدَّنَسِ تَطْهِيراً بِإِرَادَتِكَ، وَ جَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ، وَ الْمَسْلَكَ إِلَيَّ جَنَّتِكَ»^۳ ای پروردگار من، بر اهل بیت طیبین او که آنان را برای قیام به امر خود برگزیده‌ای و خازنان علم خود و حافظان دین خود و خلفای خود بر روی زمین و حجت‌های خود بر بندگان قرار داده‌ای و آنان را به خواست خود از هر ناپاک پاک گردانیده‌ای و طریق رسیدن به مقام قرب خود و وصول به بهشت ساخته‌ای، تحیت و درود بفرست.

^۱ لسان العرب، ج ۱، ص: ۷۵۴

^۲ مجمع البحرين، ج ۲، ص: ۱۷۰

^۳ الصحيفة السجادية، ص: ۲۱۸ فرازی از دعای حضرت در روز عرفه

یادآوری مصائب برای ندبه و گریه یکی از شیوه های عزاداری

روضه خوانی به روشی که مرسوم است با توجه به این دعا مورد تایید است چون روش خود این دعا همین گونه است که بعد از ذکر مصائب بر اهل بیت، گریه و ندبه و ضجه را سفارش می کند. گریاندن و گریستن مطلوب است اما شیوه ای که برای این مطلوب مورد استفاده قرار می گیرد باید شیوه ای مورد تایید باشد.

استفاده از شیوه های نادرست برای عزاداری ولو متعارف و مرسوم شده باشد، مورد تایید اهل بیت نیست تا چه رسد به شیوه ای که مخالف موازین اسلامی باشد. استفاده از موسیقی در عزاداری اگر به صورت غنا باشد، حرام است و عزاداری آن را حلال نمی کند و اگر هم غنائی نباشد، باز دلیلی در تایید آن نداریم هر چند ایجاد کننده حزن باشد و منجر به جاری شدن اشک از دیدگان شود.

ابزاری که برای عزاداری به کار برده می شود نیز باید منجر به کار خلاف شرع نشود به طور مثال اگر صدای بلندگو موجب آزار و اذیت شود، جایز نیست از آن استفاده شود تا چه رسد به اینکه از برخی ابزار مانند طبل و دهل برای عزاداری استفاده شود که جز آزار کارکرد دیگری ندارد و اساسا حتی ایجاد حزن هم نمی کند.

تأکید اهل بیت بر گریه سیدالشهداء

قَالَ الرَّضَا «إِنَّ الْمُحَرَّمَ شَهْرٌ كَانَ أَهْلُ الْجَاهِلِيَّةِ يُحَرِّمُونَ فِيهِ الْقِتَالَ فَاسْتَحَلَّتْ فِيهِ دِمَاؤُنَا وَهَتِكَ فِيهِ حُرْمَتُنَا وَ سَبِي فِيهِ ذَرَارِيَّتُنَا وَ نِسَاؤُنَا وَ أُضْرِمَتِ النَّيْرَانُ فِي مَضَارِبِنَا وَ انْتَهَبَ مَا فِيهَا مِنْ نَفْلِنَا وَ لَمْ تُرْعَ لِرَسُولِ اللَّهِ حُرْمَةٌ فِي أَمْرِنَا إِنَّ يَوْمَ الْحُسَيْنِ أُفْرِحَ جُفُونُنَا وَ أُسْبِلَ دُمُوعُنَا وَ أُذِلَّ عَزِيزُنَا بِأَرْضِ كَرْبٍ وَ بَلَاءٍ وَ أُورَثْتُنَا [يَا أَرْضَ كَرْبٍ وَ بَلَاءٍ أُورَثْتُنَا] الْكَرْبَ [وَ] الْبَلَاءَ إِلَى يَوْمِ الْإِنْقِضَاءِ فَعَلَى مِثْلِ الْحُسَيْنِ فَلْيَبْكِ الْبَاكُونَ فَإِنَّ الْبُكَاءَ يَحُطُّ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ ثُمَّ قَالَ كَانَ أَبِي إِذَا دَخَلَ شَهْرَ الْمُحَرَّمَ لَا يَرِي ضَاحِكًا وَ كَانَتْ الْكِتَابَةُ تَغْلِبُ عَلَيْهِ حَتَّى يَمْضِيَ مِنْهُ عَشْرَةٌ أَيَّامٍ فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْعَاشِرِ كَانَ ذَلِكَ الْيَوْمَ يَوْمَ مُصِيبَتِهِ وَ حُزْنِهِ وَ بَكَائِهِ وَ يَقُولُ هُوَ الْيَوْمَ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ»^۱

^۱ الأُمالي (للصدوق)، النص، ص: ۱۲۸

امام رضا (ع) فرمود: محرم ماهی بود که اهل جاهلیت نبرد را در آن حرام می‌دانستند و خون ما را در آن حلال شمردند و حرمت ما را هتک کردند و ذراری و زنان ما را اسیر کردند و آتش بخیمه‌های ما زدند و آنچه بنه در آن بود چپاول کردند و در امر ما رعایتی از رسول خدا(ص) نکردند روز شهادت حسین(ع) چشم ما را زخم کرد و اشک ما را روان ساخت و عزیز ما را در زمین کربلا خوار کرد و گرفتاری و بلا بما دچار ساخت تا روز قیامت بر مانند حسین باید گریست این گریه گناهان بزرگ را بریزد سپس فرمود پدرم را شیوه ای بود که چون محرم می شد خنده نداشت و اندوه بر او غالب بود تا روز دهم روز دهم روز مصیبت و حزن و گریه‌اش بود و می فرمود در این روز حسین کشته شد.

ذکر گریه ها و نوحه ها

أَيْنَ الْحَسَنِ أَيْنَ الْحُسَيْنِ، أَيْنَ أَبْنَاءِ الْحُسَيْنِ، صَالِحٌ بَعْدَ صَالِحٍ، وَ صَادِقٌ بَعْدَ صَادِقٍ، أَيْنَ السَّبِيلِ بَعْدَ السَّبِيلِ، أَيْنَ الْخَيْرَةِ بَعْدَ الْخَيْرَةِ، أَيْنَ الشَّمْسِ الطَّالِعَةِ، أَيْنَ الْأَقْمَارِ الْمُنِيرَةِ، أَيْنَ الْأَنْجُمِ الزَّاهِرَةِ، أَيْنَ أَعْلَامِ الدِّينِ وَ قَوَاعِدِ الْعِلْمِ أَيْنَ بَقِيَّةِ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُو مِنَ الْعِتْرَةِ الْهَادِيَةِ، که [ای پروردگار] کجاست حسن بن علی؟ کجاست حسین بن علی؟ آن پاکان و راستگویان عالم کجایند آنها که یکی بعد از دیگری، رهبر راه خدا و برگزیده از خلق خدا بودند؟ کجا رفتند تابان خورشیدها؟ کجایند آن فروزان ماهها؟ کجا رفتند ستارگان درخشان؟ کجا رفتند آن رهنمایان دین و ارکان علم و دانش؟ کجاست حضرت بقیة الله که عالم خالی از عترت هادی امت نخواهد بود؟

مطالبات خویش را در این فراز از دعا با این ابراز می کنیم که گویای آن است که در حالت بکاء چه بگوییم و با چه ذکری ندبه کنیم اما این الفاظ و کلمات خصوصیتی ندارد یعنی می توانیم از هر کلمات و جملاتی که تامین کننده ی این هدف باشند و با مضامین این بخش همخوانی داشته باشند، استفاده کنیم.

اهداف عزاداری

نوع خواسته های ما در غالب کلمات ندبه، ترسیم کننده ی هدف ما از عزاداری است. این فرازها به ما آموزش می دهد چه چیزی از خدا بخواهیم و هدف ما از عزاداری به شیوه ی ندبه چه چیزی باشد :

أَيْنَ الْمَعْدُ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ، أَيْنَ الْمُنْتَظَرُ لِإِقَامَةِ الْأَمْتِ وَالْعُوجِ، أَيْنَ الْمُرْتَجَى لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ
وَالْعُدْوَانِ، أَيْنَ الْمُدْخَرُ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ، أَيْنَ الْمَتَّخِرُ لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ، أَيْنَ
الْمُؤَمَّلُ لِأَحْيَاءِ الْكِتَابِ وَحُدُودِهِ، أَيْنَ مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَ أَهْلِهِ، أَيْنَ قَاصِمُ شَوْكَةِ الْمُعْتَدِينَ،
أَيْنَ هَادِمُ أْبْنِيَةِ الشَّرْكِ وَالنَّفَاقِ

کجاست آنکه برای برکندن ریشه ظالمان و ستمگران عالم مهیا گردیده؟ کجاست آنکه منتظریم اختلاف و کج رفتاریها را به راستی و درستی اصلاح کند؟ کجاست آنکه امیدواریم اساس ظلم و عدوان را از عالم براندازد؟ کجاست آنکه برای تجدید فرائض و سنن اسلام که محو و فراموش گردیده؛ ذخیره است؟ کجاست آنکه برای برگردانیدن ملت و شریعت مقدس اسلام اختیار گردیده؟ کجاست آنکه آرزومندیم کتاب و حدود آن را احیا سازد؟ کجاست آنکه دین، ایمان و اهل ایمان را زنده گرداند؟ کجاست آنکه شوکت ستمکاران و متعدیان را در هم می شکند؟ کجاست آنکه بنا و سازمانهای شرک و نفاق را ویران می کند؟

۱) خواهان نابودی ظالمان شویم

۲) خواستار اصلاح کج رویها شویم

۳) بخواهیم ظلم و دشمنی ها ریشه کن شود

۴) تلاش کنیم سنت های فراموش شده بازیابی شود

۵) بخواهیم دین، محور اصلی زندگی هایمان شود

۶) کلام خدا را پاس داشته و حدود الهی را رعایت کنیم

۷) در پی احیا و زنده نگه داشتن معالم دین باشیم

۸) خواستار نابودی پایه های شرک و نفاق باشیم

أَيْنَ مُبِيدِ أَهْلِ الْفِسْقِ وَالْعِصْيَانِ، أَيْنَ حَاصِدِ فُرُوعِ الْغِيِّ وَالشَّقَاقِ، أَيْنَ طَامِسِ أَثَارِ الزَّيْبِ
وَالْأَهْوَاءِ، أَيْنَ قَاطِعِ حَبَائِلِ الْكُذْبِ وَالْإِفْتِرَاءِ، أَيْنَ مُبِيدِ أَهْلِ الْعِنَادِ وَالْمَرَدَّةِ، أَيْنَ مُعَزِّ الْأَوْلِيَاءِ
وَمَذِلِّ الْأَعْدَاءِ، أَيْنَ جَامِعِ الْكَلِمَةِ عَلَى التَّقْوَى

كجاست آنکه فسق و عصیان و طغیان را هلاک و نابود می گرداند؟ کجاست آنکه برای
کندن ریشه گمراهی و دشمنی مهیاست؟ کجاست آنکه اندیشه باطل و هواهای نفسانی را
نابود می سازد؟ کجاست آنکه ریسمان دروغ و افتراء را قطع خواهد کرد؟ کجاست آنکه
متکبران سرکش را هلاک و نابود می گرداند؟ کجاست آنکه مردم ملحد، معاند و گمراه
کننده را بیچاره کند؟ کجاست آنکه دوستان را عزیز و دشمنان را ذلیل خواهد کرد؟
کجاست آنکه مردم را بر وحدت کلمه و تقوی مجتمع می سازد؟

۹) با اهل فسق و فجور دشمن باشیم

۱۰) از هواپرستی دور بوده و با آن مبارزه کنیم

۱۱) از دروغگویی مبرا بوده و به کسی تهمت نزنیم

۱۲) با سرکشان عالم پیوند دوستی نبندیم

۱۳) دوستان خدا را عزیز شمرده و دشمنان خدا را ذلیل شماریم

۱۴) در رعایت تقوا یار و مددکار یکدیگر باشیم

أَيْنَ بَابِ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُوتَى، أَيْنَ وَجْهِ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ تَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ، أَيْنَ السَّبَبِ الْمُتَّصِلُ
بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ، أَيْنَ صَاحِبِ يَوْمِ الْفَتْحِ وَ نَاشِرِ رَأْيَةِ الْهُدَى، أَيْنَ مُؤَلِّفِ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَ
الرِّضَا

کجاست باب الهی که از آن وارد می شوند؟ کجاست آن وجه الهی که دوستان به سوی
او روی آوردند؟ کجاست آن وسیله که بین آسمان و زمین پیوسته است؟ کجاست صاحب
روز فتح و برافرازنده پرچم هدایت در عالم؟ کجاست آنکه پریشانیهای خلق را اصلاح و
دلها را خشنود می سازد؟

۱۵) راه نجات را گم نکنیم و باب الله (امام) را بیابیم

۱۶) از توجه به وجه الله (امام) روی نتابیم

۱۷) با پیوند با امام، اتصالمان به عالم ملکوت را حفظ کنیم

۱۸) خواستار پیروزی حق و پرچم هدایت باشیم

۱۹) اهل خیر بوده و برای رفع حوائج دیگران تلاش کنیم
۲۰) پاسدار خون همه ی شهدا از صدر اسلام تا به حال باشیم
تمامی اهداف عزاداری ما را به پیروی از امام معصوم و زمینه سازی برای ظهور دولت
کریمه ی امام عصر(عج) دعوت می کند و در یک کلمه ما را به ظلم ستیزی فرا می خواند.

خون خواهی سیدالشهداء

أَيْنَ الطَّالِبِ بِذُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَ أَوْلَادِ الْأَنْبِيَاءِ، أَيْنَ الطَّالِبِ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءِ^۱ کجاست
آنکسی که از ظلم امت بر انبیاء و اولاد انبیاء دادخواهی می کند؟ کجاست آنکه انتقام خون
شهید کربلا را خواهد گرفت؟

ظلم عظیمی که در اول مقاله به آن اشاره کردیم، به جهت بزرگی و گستردگی اش تنها
به دست توانای حضرت مهدی(عج) قابل ریشه کن شدن است. خونهای زیادی برای مقابله
با این ظلم ریخته شده که ارزشمندترین آنها خون سیدالشهداء(ع) و یاران باوفای ایشان
بوده است. کسی که می آید تا طلب کند، به چه جرمی گلوی طفل شش ماهه را بریدید،
مهدی است. او طلب کننده ی خون خداست و با حکومت عدل جهانی اش ثمرات خون
تمامی انبیاء و فرزندان انبیاء را به بار خواهد نشاند.

^۱المزار الكبير (لابن المشهدی)، ص: ۵۷۹

منابع

الصحيفة السجادية، على بن الحسين عليه السلام، ناشر: دفتر نشر الهادي، قم، ۱۳۷۶ش
المزار الكبير، ابن مشهدي، محمد بن جعفر ، متوفای ۶۱۰، ناشر: دفتر انتشارات اسلامي،
قم، ۱۴۱۹ق

الأمالی، ابن بابويه، محمد بن علی، شیخ صدوق، ناشر: کتابچی، تهران، ۱۳۷۶ش
لسان العرب، ابن منظور، محمد بن مکرم، ناشر: دار الفكر للطباعة - دار صادر، بیروت
۱۴۱۴ق

مجمع البحرين، طریحی، فخر الدین بن محمد، ناشر: مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵ش